

# کارِ غذایی

در این شماره به سراغ یکی دیگر از هنرجهای فعال و خوش ذوق به نام خانم ریحانه هرویندی، هنرجوی رشته صنایع غذایی رفته‌ایم. ریحانه خانم علاقه زیادی به کارکردن و انجام فعالیتی مرتبط با رشته تحصیلی‌اش دارد. او بر این باور است که همه چیز را در کتاب‌ها ننوشته‌اند و درس‌های زیادی هست که باید در محیط کار یاد گرفت. از این رو ریحانه که هنرجوی رشته «صنایع غذایی» است، تصمیم گرفته است به دل این کار برود و مباحث نظری را بهتر یاد بگیرد تا از رشته و مهارت خود استفاده کند. پس ریحانه با این روحیه از دوره کارآموزی استقبال و سعی می‌کند فعالیتش به کارآموزی محدود نباشد و در دل کار بماند.

## فضای هنرستان را چطور توصیف می‌کنی؟

واقعیتش من با وجود حساسیت و تحقیقات مفصلی که درباره این رشته انجام داده بودم، باز هم چندان مایل نبودم وارد هنرستان شوم و این رشته را بخوانم. تنها دلیلی که باعث می‌شد خودم را راضی کنم این بود که همان‌طور که گفتم این رشته آینده شغلی خوبی داشت.

اما بعد از اینکه وارد هنرستان شدم و فضای آنجا را دیدم، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم، چرا که برای فردی مثل من که عاشق فعالیت و کاربردی کردن دانش خود بود، هنرستان بهترین جایی بود که دیده بودم. ما مباحث نظری را سر کلاس‌ها یاد می‌گرفتیم و بعد باید در آزمایشگاه به شکل عملی آن‌ها را انجام می‌دادیم. تمام این مسائل برای من جذابیت داشتند. در واقع، هنرستان و دوره‌های کارآموزی آن باعث شد به این فکر بیفتم که در کنار تحصیل فعالیت خارج از مدرسه هم داشته باشم.

## این فعالیت خارج از مدرسه را چطور شروع کردی؟

من از قبل، شاید قبل‌تر از اینکه فکر رشته صنایع غذایی به سرم بزند، با یک شرکت آشنایی داشتم و از

## خودت را معرفی کن و برایمان بگو چطور شد این رشته را انتخاب کردی؟

خاطرم هست، در سال‌هایی که باید رشته تحصیلی‌مان را انتخاب می‌کردیم، اکثر بچه‌ها، یعنی شاید آماری قریب به هفتاد درصد از محصلان، به انتخاب رشته تجربی رغبت داشتند و راستش، من نوجوان هم از تصور خودم در قامت یک پزشک با آن روپوش سفید خوش حال می‌شدم و دوست داشتم تجربی را انتخاب کنم.

اما در آن سال اعلام کردند رشته تجربی به شدت اشباع شده است و طی جلسات و همایش‌های مشاوره‌ای که برای تسهیل انتخاب رشته ما طراحی می‌شد، اکثر مشاوران به بچه‌ها پیشنهاد می‌دادند وارد شاخه فنی و حرفه‌ای بشوند. من و مادرم هم با مشاور خصوصی خود جلسات متعددی صحبت کردیم. با تحقیقات زیاد، با رشته صنایع غذایی آشنا شدم.

اقوام و آشنایانی هم که در این رشته مشغول تحصیل بودند، مرا از آینده کاری آن آسوده خاطر کردند. حتی خیلی از کسانی که در این رشته تحصیل کرده بودند، به من گفتند این رشته صد برابر بیشتر از پزشکی با روحیه من سازگار است. از این رو من این رشته را انتخاب کردم.

بعد از اینکه وارد هنرستان  
شدم و فضای آنجا را دیدم،  
بسیار تحت تأثیر قرار  
گرفتم، چرا که برای فردی  
مثل من که عاشق فعالیت و  
کاربردی کردن دانش خود بود،  
هنرستان بهترین جایی بود  
که دیده بودم



در هر حال محیط جدید بود و کار سنگین! اما در  
عین حال جذابیت‌های خودش را هم داشت. برای  
کسی مثل من که همیشه می‌خواستم بهترین خود  
را ارائه بدهم و سعی می‌کردم خیلی خوب کار کنم،  
شیرین هم بود. شاید اگر علاقه‌ای در کار نبود، هرگز  
آنجا ماندگار نمی‌شدم. در واقع اگر علاقه نبود، نه  
من می‌توانستم و نه آن‌ها اجازه می‌دادند بمانم و به  
فعالیت ادامه بدهم. اما به هر حال توانستم با کمک  
کسانی که تجربه بیشتری داشتند پیشرفت کنم و  
ماندگار شوم.

### **👉 در این حرفه چه هدفی را دنبال**

**می‌کنی؟**

من رویای این را دارم که روزی بتوانم کارآفرین  
شوم. این شاید نهایت خواسته و هدفی است که برای  
خودم تعریف کرده‌ام! می‌دانم راه بسیار طولانی و  
قطعاً سختی برای رسیدن به این قله در پیش است.  
اما تصویری را که از خود کارآفرینم در ذهنم دارم،  
صدبرابر بیشتر از تصویر دختری با روپوش سفید  
پزشکی دوست دارم و امیدوارم به آنجا برسم.  
همه گام‌هایی که برمی‌دارم در این جهت است  
که به جایی برسم تا بتوانم محصولی جدید و سالم  
و کاربردی درست کنم و در حرفه خودم قدمی در  
جهت تسهیل زندگی مردم بردارم.

محصولاتش استفاده می‌کردم. می‌دانستم محصولات  
خوب و باکیفیتی دارند. اما نکته مهم‌تر این بود که ما  
در مدرسه درسی داشتیم به نام فرآورده‌های لبنی.  
در این درس باید آزمایش‌هایی صورت می‌گرفت  
تا هنرجویان بتوانند با فرایند آزمایش‌ها در صنعت  
لبنیات آشنایی پیدا کنند. در این درس نیز ما در  
هنرستان از محصولات همین کارخانه استفاده  
می‌کردیم. من هم که باید دوره کارآموزی خود را  
می‌گذراندم، به این کارخانه درخواست کارآموزی  
دادم. آن‌ها هم با نهایت لطف مرا پذیرفتند و این  
فرصت را به من دادند که در آنجا کارآموزی کنم.  
دوره‌ای سه‌ماهه را در آنجا گذراندم.

### **👉 چطور شد که در این حرفه ماندگار**

**شدی؟**

ماجرای این‌طور پیش رفت که بعد از سه ماه با  
روحیه و طرز کار من آشنا شدند و متوجه علاقه من  
به فعالیت در این زمینه شدند. مسئول فنی آنجا به  
چشم دیده بود که با چه دقت و علاقه‌ای کار می‌کنم.  
در واقع توانسته بودم در حرفه‌ای که در آن تحصیل  
می‌کردم، خودم را به اثبات برسانم.  
البته روزهای اول فعالیت در کارخانه سخت بود،  
چرا که وارد صنعت خاصی شده بودم و کارکردن در  
محیط‌های صنعتی هم سختی‌های خودش را دارد؛